

ایبدمی طلاق به دهه‌هفتادی‌ها رسید؟

«دهه هفتادی‌ها هم زود ازدواج می‌کنند و هم زود طلاق می‌گیرند» این جمله را شاید خیلی شنیده باشید. بسیاری معتقدند همان‌قدر که دهه شصتی‌ها هنوز منتظرند تا کیس مناسب‌شان پیدا شود اما دهه هفتادی‌ها یا همان نسل چهارمی‌ها، وقت را تلف نکرده و سریع تشکیل خانواده می‌دهند.



«دهه هفتادی‌ها هم زود ازدواج می‌کنند و هم زود طلاق می‌گیرند» این جمله را شاید خیلی شنیده باشید. بسیاری معتقدند همان‌قدر که دهه شصتی‌ها هنوز منتظرند تا کیس مناسب‌شان پیدا شود اما دهه هفتادی‌ها یا همان نسل چهارمی‌ها، وقت را تلف نکرده و سریع تشکیل خانواده می‌دهند.

به گزارش قانون، هستند دختران و پسران 20 تا 26 ساله‌ای در میان اقوام که خیلی زود ازدواج کرده ولی دختران و پسران 29 تا 35 ساله هنوز سنگر مجردی را حفظ کرده‌اند. خیلی‌ها معتقدند وقتی تب دختران و پسران نسل چهارمی برای ازدواج تند است، به همان سرعت هم به عرق می‌نشینند و خیلی زود به طلاق می‌رسند. اما چقدر بر اساس آمار و اطلاعات موجود این اتفاق درست است و چقدر می‌شود به این حرف‌ها استناد کرد؟ وقتی به آماري که ثبت احوال ایران اعلام کرده نگاه می‌کنیم، با خیلی از واقعیت‌ها روبه‌رو می‌شویم؛ در هر ساعت، 19 طلاق در کشور اتفاق می‌افتد. این یعنی این روزها زندگی برای بسیاری، شوخی‌ای بیش نیست. چه دهه هفتادی و چه دهه شصتی و چه اما این وسط چقدر شیب طلاق به سمت دهه‌هفتادی‌ها متمایل است؟

ساعتی 19 طلاق در کشور

«در سال ۹۳ در هر ساعت ۱۹ طلاق در ایران ثبت شده است و آمار طلاق رو به افزایش است.» این حرفی است که علی‌اکبر محزون، مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرتی سازمان ثبت احوال اوایل فرودین ماه امسال اعلام کرد. بیا بید کمی جزئی‌تر به این آمار نگاه کنیم؛ در سال 93، ۱۶۳ هزار و ۵۷۲ مورد طلاق ثبت شده که نسبت به سال 92، افزایش 5/3 درصدی داشته. اگر این تعداد را بر ماه‌های سال و ساعت‌های کاری دفاتر ثبت ازدواج و طلاق تقسیم کنیم، می‌شود 448 مورد طلاق در هر شبانه‌روز که یعنی می‌شود 19 مورد در هر ساعت اما اگر دقیقش را بررسی کنیم بر اساس ساعت کاری دفاتر ثبت ازدواج و طلاق، این رقم بالاتر خواهد رفت. به گفته مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور، براساس آمارها به ازای هر یک‌هزار نفر جمعیت کشور 2/1 مورد طلاق در کشور رخ می‌دهد. از طرفی به گفته محزون در سال ۹۳ به ازای هر 4/4 مورد ازدواج در کشور یک مورد طلاق به ثبت رسیده در حالی که در سال 92 به ازای هر پنج مورد ازدواج یک مورد طلاق به ثبت رسیده است.

ایبدمی طلاق بین دهه هفتادی‌ها؟

اگر نگاهی به آمار طلاق و ازدواج بیندازیم به این نتیجه می‌رسیم که در طی سال‌های اخیر میزان طلاق در کشور در رنج 24 تا 25 سال در بین دختران و 27 تا 29 بین پسران است. اما دهه هفتادی‌ها در خوشبینانه‌ترین حالت در سن 24 سالگی به سر می‌برند. پس اینکه بگوییم طلاق در این نسل افزایش پیدا کرده، تحلیل درستی نیست. ضمن اینکه روند افزایش طلاق در این سال‌ها رو به افزایش گذاشته و از طرفی میزان ازدواج کم شده است. بر اساس آمار، در 10 سال گذشته بیشترین سن طلاق بین دختران و پسران جوان از 24 تا 29 سال است. پس نمی‌توان گفت دهه هفتادی‌ها بیشترین طلاق را دارند.

کدام استان‌ها بیشترین طلاق را دارند

اما فارغ از اینکه طلاق چقدر در کشور رخ می‌دهد، در بعضی استان‌ها میزان طلاق بیشتر است. تازه‌ترین گزارش سازمان ثبت‌احوال از طلاق در کشور همچنین نشان می‌دهد استان‌های خراسان رضوی با سه مورد طلاق به ازای هر یک‌هزار نفر جمعیت، گیلان با 2/8 نفر و تهران با 2/6 مورد طلاق، بیشترین میزان طلاق را در سطح کشور دارند. آمار طلاق در این شهرها بیشتر از میانگین کشوری است. از طرفی استان سیستان و بلوچستان هم با نیم درصد، کمترین میزان طلاق در سطح کشور را دارد و همچنان در صدر کمترین آمار مربوط به طلاق در میان استان‌هاست. براساس این گزارش در استان ایلام هم به ازای هر

یک‌هزار نفر جمعیت، یک مورد طلاق و در یزد هم 2/1 مورد طلاق به ثبت رسیده که این سه استان هم نرخ طلاق پایین از میانگین کشوری را به خود اختصاص داده‌اند. براساس اعلام سازمان ثبت احوال روزانه 90 زوج در تهران از یکدیگر جدا می‌شوند.

بیشترین علت‌های طلاق در کشور

دکتر همایون هاشمی، رئیس پیشین سازمان بهزیستی در بهمن‌ماه سال گذشته درباره 10 دلیل عمده درخواست طلاق صحبت کرده و گفته بود: «عدم مسئولیت‌پذیری، طلاق عاطفی، اعتیاد، دخالت اطرافیان، کمبود مهارت‌های زندگی، بیکاری، عدم تسلط به مهارت‌های حل مسئله، عدم حمایت‌های روانی و عاطفی، پایین بودن آستانه تحمل و همچنین عدم بلوغ فکری از جمله دلایل مهم درخواست طلاق هستند. به گفته او عدم مسئولیت‌پذیری 9/49 درصد، طلاق عاطفی 9/4 درصد، اعتیاد 7/79 درصد، بیکاری 4/78 درصد بیشترین درصدها در طلاق را دارند. از طرفی محمدتقی حسن‌زاده، رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های وزارت جوانان با اشاره به طلاق‌های عاطفی که این روزها در میان زوج‌های ایرانی روند رو به رشدی دارد، گفته است: «آمار دقیقی از طلاق‌های عاطفی در میان زوج‌های ایرانی نداریم، اما یکی از مهم‌ترین علل این‌گونه رفتارها، تغییر در سبک زندگی و فردگرایی افراد به تقلید از فرهنگ غربی است.»

افزایش آمار طلاق، تغییرات اجتماعی به دنبال دارد

دکتر سعید معیدفر، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران معتقد است افزایش آمار طلاق بیش از آن‌که نگران‌کننده باشد از تغییرات اجتماعی در ایران خبر می‌دهد و شیب تند طلاق در ایران به دلیل شرایط خاص اجتماعی این مقطع زمانی است و الزاما به این معنی نیست که این روند آن‌قدر ادامه پیدا می‌کند که اصولا نهاد خانواده به کلی در ایران فرو پاشیده شود. معیدفر، افزایش آمار طلاق در ایران را ناشی از شرایط اجتماعی یک جامعه در حال گذار می‌داند: «ما بسیاری از مسائل اجتماعی ایران را با توجه به اینکه جامعه ایران در دوران گذار است، تحلیل می‌کنیم. خانواده ما هم مثل جامعه ما در حال گذار از یک وضع به وضع دیگری است و افزایش آمار طلاق هم ناشی از همین تغییرات است. وضع قبلی خانواده تابع ارزش‌ها، قوانین و مقررات و عرف اجتماعی بوده است اما خانواده‌ای که حالا افق خودش را نشان می‌دهد مولفه‌هایش تغییر کرده است. برای مثال روابط بین طرفین در خانواده از شکل روابط یکسویه که در گذشته از طرف مرد به سمت زن بوده تغییر کرده و نظم جدید زندگی خانوادگی را دو سویه می‌بیند و براساس عقلانیت و اخلاق و حفظ حقوق متقابل تعریف می‌کند.»

این جامعه‌شناس، افزایش آمار طلاق را ناشی از برخورد تصورات قالبی و عرفی با افزایش آگاهی‌های نسل جدید به‌ویژه زنان می‌داند و می‌گوید: «بعضا برخی از تصورات قالبی در جامعه و قوانین ما نسبت به خانواده وجود دارد که در آن تا حدی هنوز حقوق طرفینی آن‌طور که در جامعه امروز باید باشد به رسمیت شناخته نشده، قوانین ما به نسبت تغییرات اجتماعی هنوز عقب مانده است و هنوز در جامعه لایه‌هایی از عرف اجتماعی باقی مانده، اگرچه صورت‌ها تغییر کرده اما تلقی‌ها خصوصا در میان مردان تلقی‌های پیشین است و همین مسائل بر افزایش آمار طلاق موثر است.» بالای ۶۰ درصد جمعیت، زنانی هستند که نیمی بیشتر از صندلی‌های دانشگاه‌ها را اشغال کرده‌اند و نوع نگاه آنها به زندگی و خانواده تغییر کرده است که حقوق و قوانین کشور هم باید این تغییر را به رسمیت بشناسد. اگر این تغییرات و افزایش آگاهی‌ها در جامعه به رسمیت شناخته شود و حقوق طرفینی بدون تبعیض وجود داشته باشد، طرفین ازدواج به تدریج خودشان را کنترل می‌کنند، اختلافات کاهش پیدا می‌کند و به تدریج روند افزایشی طلاق تثبیت شده و بعد می‌توان با راهکارهایی آن را کاهش داد.